

# The reflection of resurrection in the Quran and other monotheistic books and religions and its impact on mental health and hope for worldly life

## ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

**Authors**  
Saeed Azizpoor

### How to cite this article

Saeed Azizpoor, The reflection of resurrection in the Quran and other monotheistic books and religions and its impact on mental health and hope for worldly life, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5(1); 488-498

1. PhD, Department of Persian Language and Literature, Yasouj University, Yasouj, Iran (corresponding author).

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: sazizpour@yu.ac.ir

### Article History

Received: 2021/04/16  
Accepted: 2021/06/20

## ABSTRACT

**Introduction:** Resurrection is one of the principles of Islam and one of the most important beliefs of all monotheistic books. And it means the return of man to the origin and truth of existence and eternal life. Resurrecting a person after death is to audit and receive the rewards and punishments of his actions and issues related to his beliefs and morals in the worldly life. Therefore, there is a significant connection between the mental health of each person and his resurrection and afterlife.

**Findings and research method:** Resurrection and life after death have always been the most mysterious and important concerns of human beings and unanswered questions such as: Where did I come from and where am I going? has raised In this article, the researcher first looks at the place of resurrection in cultures, then at resurrection and its related issues such as the number of days, the passage of Chinot (Sarat bridge), heaven, hell and purgatory in Zoroastrian religion and Iranian thought, then in Jewish religions and Christianity and finally in Islam and the Qur'an and in the end comparison, analysis and conclusions have been reached.

**The result of the research:** Islam and Zoroastrianism have a lot in common regarding the resurrection, and the Christian religion has more or less paid attention to the issue of the resurrection, but the Jewish religion, especially the Torah, has not mentioned the resurrection in the least, and what God said to this people is related to this world and corresponds to it. It is with the past of this people.

**Keywords:** Qur'an, resurrection, resurrection, resurrection, Zoroastrian monotheistic religions, Jews, Christianity.

## بازتاب معاد در قرآن و دیگر کتب و ادیان توحیدی و

## تاثیر آن بر سلامت روانی و امید به زندگی دنیوی

سعید عزیزپور\*

دکتری تخصصی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).

## چکیده

مقدمه: معاد از اصول دین اسلام و از مهمترین اعتقادات همه ی کتب توحیدی است. و به معنای بازگشت انسان به اصل و حقیقت هستی و حیات جاودانه است. زنده شدن انسان پس از مرگ برای حسابرسی و دریافت ثواب و عقاب اعمال و مسائل مربوط به عقاید و اخلاق او در زندگی دنیوی می باشد. لذا بین سلامت روحی هر انسانی و معاد و آخرت او ارتباط معناداری برقرار می باشد.

یافته ها و روش تحقیق: معاد و زندگی پس از مرگ، همیشه رازناک ترین و مهمترین دغدغه های ذهنی بشر بوده و پرسش های بی پاسخی از جمله: از کجا آمده ام و به کجا می روم؟ را مطرح کرده است. پژوهشگر در این مقاله، ابتدا به جایگاه معاد در فرهنگ ها، سپس به رستاخیز و مسائل مربوط به آن مانند روز شمار، گذرگاه چنوت (پل صراط) بهشت، دوزخ و برزخ در دین زرتشتی و اندیشه ایرانی، بعد از آن در ادیان یهود و مسیحیت و در آخر در اسلام و قرآن پرداخته و در پایان به مقایسه، تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری رسیده است.

نتیجه تحقیق: دین اسلام و زردتشت مشترکات زیادی پیرامون معاد دارند و دین مسیحیت کم و بیش به مسئله معاد توجه کرده است ولی دین یهود بویژه کتاب مقدس تورات کمترین اشاره به معاد نشده است و آنچه خداوند به این قوم فرموده مربوط به همین دنیا و مطابقت آن با گذشته همین قوم است.

واژه های کلیدی: قرآن، معاد، رستاخیز، قیامت، ادیان توحیدی زرتشتی، یهود، مسیحیت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

\* نویسنده مسئول: sazizpour@yu.ac.ir

## مقدمه

بدون شک، از آغاز آفرینش تا هنگامی که آخرین انسان، بر روی زمین زندگی خواهد کرد، معاد مهمترین و رمزآلودترین مسئله ذهنی بشر بوده و خواهد بود. چیزی که هیچگاه پاسخی محکم و عینی برای پرسش های مربوط به آن یافته نشده است. انسان می خواهد بداند کیست، از کجا آمده و هدف آفریننده از آفرینش وی چه بوده و سرانجام به کجا خواهد رفت؟ البته پرسش آخر برایش بسی مهمتر است. او گاهی اوقات خود را مرغ باغ ملکوت می داند که اسیر عالم خاک شده و آرزوی رهایی از این قفس را دارد.

البته باید پذیرفت که اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ، بیشتر متأثر از دستورات دینی و کتب مقدس و سخنان رهبران مذهبی و تحت تأثیر محیط جغرافیایی نیز بوده است. اما جالب این جاست که علی رغم آمدن پیامبران الهی و ظهور مصلحان اجتماعی و فلاسفه بزرگ و احادیث و روایات دینی و غیردینی و همه پیشرفت های علمی، هنوز هم مرگ و معاد به عنوان بزرگترین اسرار، ناشناخته مانده و کسی قادر به رازگشایی این راز سربه مهر نگردیده است.

از آنجا که موضوع این مقاله، بازتاب معاد در ادیان توحیدی ( زرتشتی، یهود، مسیحیت و اسلام) است، پس از بررسی دیدگاه هر کدام از ادیان، به مقایسه آنها نیز پرداخته خواهد شد. ۱-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق:

ادیان توحیدی هر یک به نوعی، دستورات خود را آسمانی می دانند که از جانب خداوند، گاهی به صورت مستقیم و گاهی به صورت غیر مستقیم و از طریق فرشتگان، به پیامبری وحی یا الهام شده است و اجرای آن دستورات می تواند سعادت این جهان و دنیای پس از مرگ را به همراه داشته باشد و از طرف دیگر اعتقادی که پیروان بعضی از این ادیان به دستورات و حتی کتاب های آسمانی ادیان دیگر دارند و آن اینکه دستخوش تحریف و تغییر قرار گرفته اند، پرداختن به این موضوع می تواند زوایای تاریک این اندیشه را روشن تر سازد.

۱-۲- پیشینه تحقیق:

خوشبختانه تألیفات و تحقیقات بسیاری در باره معاد صورت گرفته که بیشتر آنها موردی و غالباً در مورد معاد در اسلام از جمله معاد از دیدگاه اسلام به قلم آیت الله دستغیب است و برخی دیگر مربوط به دین زرتشتی است که در آثار و پژوهش های پیرامون این دین به چشم می خورد که برخی از این منابع مورد استفاده قرار گرفته و در فهرست منابع هم معرفی شده اند.

۱-۳- روش کار:

روش انجام این تحقیق به صورت کتابخانه ای و مطالعه آثار مربوطه و تجزیه و تحلیل آنها و هم چنین استفاده از اندیشه صاحب نظران و آشنایان به این ادیان توحیدی است. ۲- بحث:

برای آغاز بحث و پرداختن به موضوع مورد نظر، ابتدا به معانی معاد و مترادفات آن در فرهنگ ها و واژه نامه ها می پردازیم. معاد از ماده «عود» به معنای «بازگشت» است و در فرهنگ دینی به این معناست که همه انسانها پس از مرگ برای رسیدگی به اعمال

های: قیامت، واقعه، الحاقه، نبا، نازعات، انشقاق، غاشیه، زلزال، قارعه، جاثیه، تغابن، اعراف و حشر مربوط به قیامت و نشانه های آن است» [۱۱] همچنین باید دانست که اسامی و صفات روز قیامت بیش از ۴۴ بار با نام های مختلف آمده است: آخرت، خافضه، الحاقه، راجفه، رادفه، رافعه، الساعه، الغاشیه، القارعه، معاد، میعاد، واقعه و .... همگی نام هایی هستند که به معاد و قیامت اشاره دارند. «اما سی مورد هست که از قیامت به نام روز یاد شده است. یوم الاخر، یوم البعث، یوم تبلی السرائر، یوم التغابن.....» [۱۲] در کل در پنجاه و سه سوره از یکصد و چهارده سوره قرآن به معاد پرداخته شده که بعضی از سوره ها کمتر و بعضی بطور مفصل آمده است». [۱۳] به این ترتیب باید بیان نمود که در میان یکصد و چهارده سوره قرآن، سوره های: ق، واقعه، الحاقه، قیامت، النازعات، نبا، انفطار، مطففین، انشقاق، تکویر، القارعه، تقریباً به طور کلی به معاد پرداخته اند حال آنکه در بقیه سوره ها علاوه بر قیامت به مسائل دیگر نیز اشاره شده است.

۱-۱-۲- بازتاب قیامت در قرآن :

معاد ، حادثه ای است که مطابق با آیات قرآن بدون شک رخ خواهد داد «محققاً ساعت قیامت بی هیچ شک بیاید و خدا به یقین مردگان را از قبرها برانگیزد». [۱۴] حال این پرسش پیش می آید که قیامت چگونه خواهد بود؟ قرآن می فرماید «در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می شتابند». [۱۵] خداوند در قرآن همزمان با دمیدن صور حوادثی را بیان نموده است از جمله: «باز به یاد آور چون در صور یک بار بدمند و زمین و کوه ها را برگیرند و یک مرتبه همه را خرد و متلاشی سازند. آنگاه واقعه بزرگ قیامت واقع گردد و بنای مستحکم آسمان آن روز سخت در هم شکافد». (قرآن الحاقه ، آیه ۱۳-۱۶). در جای دیگر از آن به عنوان زلزله نام برده است چنانکه می خوانیم: «زلزله روز قیامت بر خلاق، حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود». [۱۶] «آنگاه که زمین به حرکت و لرزه درآید و کوههای سخت، متلاشی شوند و مانند ذرات گرد در هوا پراکنده گردند». [۱۷] «هنگامی که آفتاب تابان و ستارگان آسمان تیره شوند و کوه ها به رفتار آیند و دریاها آب شعله ور گردد». [۱۸]

۲-۱-۲- زمان قیامت و چگونگی حضور مردم:

این پرسش در قرآن به وضوح بیان شده است چنانکه فرموده: «ای پیامبر! از تو سوال کنند که قیامت کی برپا شود؟». [۱۹] و در جواب آن گوید: «آن ساعت قیامت نزدیک است». «می پرسد که کی روز قیامت خواهد بود؟ بگو روزی که چشم های خالقان از وحشت و هول خیره بماند». [۲۰]. نکته دیگر این است که مردم چگونه به رستاخیز می اندیشند و چگونه با آن روبه رو می شوند؟ آنهایی که به روز قیامت هم ایمان آورده اند برایشان جای این پرسش است که مردگان بعد از زنده شدن چگونه در صحرای قیامت حاضر خواهند شد؟ خداوند تعالی پاسخ این پرسش را این گونه داده است: «چون هنگامه آن روز بزرگ را مشاهده کنی هر زن شیرده، طفل خود را از هول فراموش کند و هر آبتن بار رحم خود را بیفکند و مردم را از وحشت آن روز، بی خود و مست بنگری در صورتی که مست

و برخوردار از پاداش نیکبها و مکافات بدبها به سوی مبدأ (یعنی خداوند)، باز می گردند. اعتقاد به این اصل، دارای آثار متعدد اجتماعی و فردی، روانی و رفتاری است. در المنجد فی لغت آمده است: «المعاد(مص): المرجع / المصیر / الآخرة / الجنة / الحج و ... از ریشه عود آمده است» [۱] که ترجمه فارسی آن: «بازگشتگاه، آخرت، بهشت است». [۲] در فرهنگ لاروس معاد به معنی «جای بازگشت، جهان آخرت و بهشت آمده است». [۳] در فرهنگ فارسی معین اثر ماندگار استاد معین نیز چنین آمده است. «عود کردن، بازگشت، جای بازگشت، عالم آخرت، جهان دیگر، آن جهان» [۴] اما باید دانست که معاد با نام های دیگر نیز آمده است از جمله «رستاخیز به معنی برخاستن مردگان» [۵] «روزی که مردگان به امر خداوند زنده گردند و به اعمال آنها رسیدگی شود». [۶] «قیامت به معنی قائم شدن، برانگیخته شدن پس از مرگ، روز رستاخیز، آشوب، فتنه و غوغا آمده است» «حشر: گرد آمدن مردم، برانگیختن، معاشرت کردن، آمیزش کردن» «محشر: جای گرد آمدن مردم در روز قیامت، روز قیامت» [۷]

شاید اندیشه معاد را بتوان در این آیات منسوب به حضرت مولانا جلال الدین بلخی به زیبایی هر چه بیشتر یافت:

روزها فکر من این است و همه شب سخن  
که چرا غافل از احوال دل خویشتم  
از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود؟  
به کجا می روم آخر نمای وطنم  
مانده ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا  
یا چه بوده است مراد وی از این ساختنم  
مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک  
دو سه روزی قسمی ساخته اند از بسندم  
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست  
به هوای سمر کویش پرو بالی بزمن  
من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم  
آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم  
[۸]

همین پرسش ها بوده است که در طول روزگاران گذشته، فلسفه ، بینش و باورهای او را شکل داده است. اما باید دانست «معاد که ابتدایش مرگ و قبر و بعد برزخ و سپس قیامت کبری و پایانش بهشت یا جهنم است، با این حواس ظاهری درک نمی شود». [۹] فقط باید به حقیقت آن پی برد که «حقیقت مرگ، بریده شدن علاقه روح از بدن است». [۱۰] اکنون به معاد و مسائل مربوط به آن در ادیان اسلام ، زرتشتی، یهود، مسیحی می اندازیم.

۲-۱- معاد در اسلام :

بدون شک هیچ دینی به اندازه اسلام به مسأله معاد و پاداش و جزای آن یعنی بهشت و دوزخ توجه نداشته است. این آیین، توجه ویژه ای به معاد دارد. کافی است به ۱۱۴ سوره قرآن نظری بیاندازیم تا ببینیم که دقیقاً یکصد و پانزده بار واژه آخرت آمده که نشان دهنده توجه به معاد است. درباره اهمیت معاد در قرآن، همین بس که نام بیش از سیزده سوره از یکصد و چهارده سوره قرآن مربوط به قیامت است و به یکی از نشانه های رستاخیز اشاره دارند. سوره

که البته مانند بهشتیان در خوشی و نعمت نیستند لیکن از لحاظ عذاب هم معذب نمی باشند». [۲۹] بهترین توصیف از اعراف همین شعر سعدی شیرازی بسنده است که می فرماید:

حوران بهشتی را دوزخ بود اعراف  
از دوزخیان پرس که اعراف بهشت است  
(سعدی، ۱۳۸۰، ص ۴۹)

۲-۱-۷- دوزخ و دوزخیان در قرآن:

قرآن کریم، دوزخ و دوزخیان را اینگونه معرفی می کند: «آن دوزخ را هفت در است و هر دری برای ورود دسته ای از گمراهان معین گردیده است». [۳۰] شهید دستغیب در معرفی این هفت در می گوید: «اسفل درکات آن جهنم است و فوق آن لظی و فوق آن حطمه و فوق آن سقر و فوق آن جحیم و فوق آن سعیر و فوق آن هاویه است». [۳۱] «و هیچ یک از شما باقی نماند جز آنکه به دوزخ وارد شود و این حکم پروردگار توست. پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خداترس و با تقوا بوده اند از جهنم نجات خواهیم داد». «آنها در عذاب باد سموم و آب گرم باشند و سایه ای از دود آتش دوزخ که نه هرگز سرد شود و نه خوش نسیم گردد». [۳۲] «آنگاه شما ای گمراهان منکر قیامت، از درخت زقوم تلخ دوزخ البته خواهید خورد تا آنکه شکم را از آن پر سازید. آنگاه همه از آب گرم جهنم می آشامید، بدان سان از عطش، آن آب را می نوشید که شتران تشنه آب می آشامند». (قرآن، واقعه، [۱]، ۵۶-۵۱) «و طعامی غیر از غسلین (چرک و پلیدی دوزخیان) نصیبش نیست و کسی آن طعام را جز اهل دوزخ نمی خورد». (قرآن، الحاقه، آیه ۳۷-۳۶)

دوزخیان چه کسانی هستند؟ خداوند دوزخیان را اینگونه معرفی می کند: «هر که نافرمانی خدا و رسول او کند البته کیفر او آتش دوزخ است که در آن تا ابد مخلد خواهد بود». «آن دوزخ جایگاه مردم سرکش ستمکار است». [۳۳] آنان که زنان و مردان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند بر آنها عذاب جهنم و آتش دوزخ مهیاست». البته تنها شخصی که به صراحت به عنوان دوزخی نامش در قرآن آمده ابولهب است، آنجا که قرآن کریم می فرماید: «زود باشد که به دوزخ در آتشی شعله ور درافتد و همسرش همیزم آتش افروز دوزخ باشد». [۳۴]

چند نمونه آیات قرآنی پیرامون معاد:

- این امر، قطعی است (.. و إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا)  
- همگانی است (هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَى)  
- دقیق برگزار می شود (لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا إِحْصَاهَا)  
- عادلانه است (لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا).

۲-۲- معاد در دین زرتشت:

دین زرتشت که در سرزمین ایران رواج داشته تأکید بسیاری بر معاد و رستاخیز دارد. «به هر حال زرتشت پیامبری است که نخستین بار دینی یکتا پرستانه آورده که متون آن یعنی گات ها این امر را نشان می دهند، خدای یکتای او که منبع خیر و بی مانند است اهورامزدا نام دارد». [۳۵] از آنجا که قبله گاه این دین، آتش و نور است بسیاری به غلط آنان را آتش پرست می نامند حال آنکه

نیستند. «آن روز رخسار طایفه ای از شادی برافروخته و نورانی» و «و رخسار گروهی دیگر عبوس و غمگین است». [۲۱]

۳-۱-۳- دلایل روشن برای منکران معاد:

خداوند در سوره های اعراف، حج و یس، برای کسانی که قیامت را انکار می کنند دلایل روشن و آشکاری آورده است از جمله: «ای مردم اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا بر بعث مردگان شک و ریبی دارید ما شما را نخست از خاک آفریدیم آن گاه از آب نطفه، آن گاه از خون بسته، آن گاه از پاره گوشت، تمام و ناتمام تا در این انتقال و تحولات، قدرت خود را بر شما آشکار سازیم. زمین را بنگری که وقتی خشک و بی گیاه باشد آن گاه باران بر آن فرو باریم تا سبز و خرم شود و نمو کند و از هر نوع گیاه برویاند. این دلیل است که خدا قادر است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققاً بر هر چیزی تواناست». [۲۲]

۳-۱-۴- نامه اعمال:

در میان آیات قرآن و روایات دینی از نامه اعمال بندگان در روز قیامت، بسیار سخن به میان آمده است از جمله: «روز محشر حقاً روز سنجیدن اعمال است». [۲۳] «هر عملی که کردند در کتب نامه اعمالشان ثبت شد». [۲۴] «آن روز آدمی به هر نیک و بد که در مقدم و مؤخر عمر کرده از نتیجه همه آگاه خواهد شد». [۲۵] «در روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا اعمال خود ببینند پس هر کس ذره ای کار نیک کرده باشد آن را خواهد دید و هر کس ذره ای کار زشت کرده باشد به کیفرش خواهد رسید». [۲۶]

۳-۱-۵- بهشت و بهشتیان در قرآن:

قرآن که مومنان را وعده بهشت داده، خود نیز به توصیف این جایگاه پرداخته است. توصیفی که رسیدن به بهشت را به آرمانی بس بزرگ تبدیل کرده است. آن جا که بهشت را اینگونه ملموس و عینی معرفی می کند. «همانا خداوند آنان که اهل ایمان و نیکوکارند داخل به باغ و بهشت هایی کند که زیر درختانش نهراها جاری است». «و در آنجا طلا و مروارید بر دست، زیور بندند و تن به جامه حریر بیاریند». «در حالیکه بر تخت تکیه زده اند و ما حورالعین را هم جفت آنان گردانیده ایم». «و بر آن بهشتیان از هر نوع میوه و گوشت که مایل باشند فراوان بیفزاییم». [۲۷]

اکنون که با معاد، نامه اعمال و بهشت آشنا شدیم می خواهیم بدانیم که بهشت جایگاه چه کسانی است؟ «نماز گزاران واقعی، آنان که دایم در نماز و طاعت الهی عمر گذرانند و آنان که در مال و دارایی خود حقی معین و معلوم گردانند تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند و آنان که روز قیامت و جزا را تصدیق نمایند و به بقای روح و عالم آخرت ایمان دارند و آنان که از قهر و عذاب خدای خویش سخت ترسانند و آنان که اندام خود را از شهوترانی نگاه می دارند و آنان که امانت و عهد و پیمانیشان را رعایت می کنند و برای شهادت به حق قیام می کنند و آنان که نماز خود را محافظت می کنند». [۲۸]

۳-۱-۶- اعراف چیست و جای کیست؟

با یک بررسی مشخص می شود که «اعراف جایی بین بهشت و جهنم که در آن مستضعفین؛ یعنی دیوانه ها و بچه های نابالغ که از دنیا رفته اند و آن هایی که عقلشان کامل نبوده در آنجا، جا دارند

آیند» جاماسب هوگوه، آن دانای خردمند نیز آیین راستی را برگزید و در پرتو اندیشه نیک به کشور جاودانی دست یافت [۴۲]

همچنان که در این بندها و بندهای دیگرگات ها آمده است بهشت جایگاه دوستداران راستی و نیکی، کسانی که در نیک نامی کوشا هستند، کسانی که با نیکان و پاکان نیکوترین رفتار را داشته و یکی از بندگان نیک خدا را یاری دهند.

اما دوزخ به عنوان جایگاه دروغ نیز در سخنان و سروده های زرتشت بازتاب گسترده ای دارد چنان که می فرماید: «روان های بدشهریاران، بدکرداران، بدگفتاران، بدنهادان، بداندیشان و دروغ پرستان از روشنایی به تاریک دلی باز خواهد گشت و به راستی که اینان صدرنشینان سرای دروغ می باشند.» «به هر دو گروه راستکار و دروغکار، تو از راه آتش فروزان، و با آزمایش آهن گداخته پاداش می دهی. [۴۳]

همچنان که در این چند بند و بندهایی دیگر از گات ها آمده، سرای دوزخ جایگاه رنج و اندوه و حسرت است و با آهن گداخته آزمایش می شوند جایگاه شهریاران بد، بدکرداران، بدنهادان، بداندیشان، دروغ پرستان، آنان که از داد و فرمان خدا پیروی نمی کنند و با کردار زشت و آموزش های نادرست خود، آرامش مردمان جهان را به هم می زنند، آنان که با کردار پلشت خود گزند و ویرانی را برای مردمان می آورند و آنان که خوشی را از راه گناه و نادرستی به دست می آورند. با همه این اوصاف، زرتشت که پیام آور نیکی است به فرجام نیک خود اطمینان ندارد بلکه امیدوار به رحمت پروردگار است و بس، آنجا که می گوید: جز راستی و منش نیک تو ای مزدا اهورا، هیچ کس دیگر گره گشای من نخواهد بود. [۴۴]

همین است که بعدها در شاهنامه فردوسی بازتاب داشته است.

زخویشان کسی نیست فریاد رس  
امیدم به پروردگار است و بس

[۴۵]

اکنون که با آیین زرتشت درباره رستاخیز، معاد و ... آشنا شده ایم به شرح هر کدام از اینها می پردازیم تا به جزئیات بیشتری از این دین پی ببریم.

۲-۱- رستاخیز در آیین زرتشت:

رستاخیز واژه ای ایرانی است که در عربی به نام معاد آمده است. باید بررسی کرد که ریشه این واژه چیست و در رستاخیز چه پیشامدهایی رخ خواهد داد. «رستاخیز در زبان پهلوی -rist- axez آمده است به معنی برخاستن جسد مرده. این واژه مرکب است از ریشه اوستایی irista به معنی نعش و جسد بی جان و axezitan یا axezitan به معنی برخاستن. و رستاخیز زمانی است که بنا بر اعتقادات ایرانیان کهن، مردمان همه قرون و اعصار در همه جا با تن خاکی خود برای حضور در آخرین دادگاه اورمزدی برمی خیزند.» [۴۶]

اکنون باید دانست که باور ایرانیان در این باره چیست. «مطابق با اعتقادات ایرانیان کهن در هزاره سوم بعد از زرتشت، از نطفه او که در دریاچه کیانسیه (هامون) در سیستان است، دوشیزه ای پاکدامن بار می گیرد و بدون اینکه شوهر کرده باشد کودکی می آورد که سوشیانت نام دارد.» «سوشیانت واژه ای اوستایی به معنی

پرست، در این ترکیب به معنی نگهبان و پرستار آتش است نه پرستنده آن، و فردوسی بزرگ نیز در کتاب سترگ شاهنامه به درستی به آن اشاره کرده است:

به یک هفته بر پیش یزدان بُدند  
میندار که آتش پرستان بُدند  
که آتش بدان گاه محراب بود  
پرستنده را دیده پر آب بود  
[۳۶]

زرتشت، برای زندگی بهتر انسانها در دنیا، فلسفه معاد و جزئیات مربوط به آن از جمله، از روز واپسین یا روز شمار، پل چینوت، بهشت، دوزخ سخن گفته و آنان را بطور گسترده در گات های خود آورده است که به بعضی از آنان اشاره می کنیم: «هر یک از شما مرد و زن که با منش روشن، جدایی میان دین راستین و کیش دروغین بدانید، نیک از بد بازشناسید، پیش از پایان گرفتن گردش گیتی و فرا رسیدن روز شمار دریابید که در سرانجام، رستگاری با ماست.» [۳۷]

چنان که در این بند می بینیم او ابتدا دین راستین را در برابر کیش دروغین قرار داده است، دین راستین، خواست اهورامزداست و کیش دروغین از آن اهریمن است. راستی، منش نیک، رفتار نیکو با نیکان و پاکان، از خود گذشتگی، پیوستن با راستان و پارسایی، امید به پروردگار بعد از مرگ، عشق و ایمان به زندگی زناشویی و در کل، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک آموزه دین راستین است و دروغ، آموزه کیش دروغین که سرچشمه گناه و گمراهی است و جایگاه آن دوزخ است. نکته دیگری که در این بند قابل ذکر است روز شمار است. این ها مواردی هستند که در بند های بعدی به آنان پرداخته می شود. «کسی که در این جهان، خوب از بد بازشناسد و به سپند مینو روی آورد امشاسپندان وی را یاری کنند و در کوشش در راه راستی و برانداختن دروغ پشت و پناه وی باشند، آنچنان که در روز شمار، پس از آزمایش پسین، پاک درآید و در خور پاداش گشته، نخستین کسی باشد که سرافراز به سوی بهشت خواهد خرامد.» [۳۸]

«داور بزرگ، در روز واپسین از روی انصاف رفتار خواهد کرد [۳۹]» ولی پیشوایان دروغین که با کردارهای زشت خود زندگانی مردمان را تباہ میسازند، روان و وجدان آنان به هنگام گذر از پل چینوت (گذرگاه داور) در بیم و هراس خواهد افتاد و آنان را برای همیشه در خانه دروغ (دوزخ) گرفتار آیند [۴۰]

«در آن هنگام که فرزندان و نبیرگان نامور فریانه تورانی به آیین راستی گرویدند پس آنگاه آنان در پرتو منش پاک به کشور جاویدانی بهشت رسند و بی گمان اهورا مزدا در روز واپسین آنان را در پناه آرامش خویش گیرد.» [۴۱]

چنان که در این چند بند می بینیم مهمترین نکته ای که زرتشت بر آن تکیه دارد روز شمار است که با نام های روز بزرگ، روز واپسین، روز بازپسین و گذرگاه چینوت، گذرگاه داور نام برده است. نکته دیگری که زرتشت بر آن تکیه دارد جایگاه نیکوکاران یا همان بهشت و بهشتیان است که به توصیف آن می پردازد. «در انجام زندگی گیتی، دوستداران راستی و نیکی در سرای جاودانی (بهشت) از بخشایش ایزدی برخوردار گردند و پیروان دروغ و بدی به رنج دوزخ دچار

پدیدآوردن بهشت و جهنم به صورت مکانی برای اقامت روان آشوان و بدان بود. کتاب بُندهشِن معتقد است که فرشتگان هم برای پیشباز نیکوکاران روی پل خواهند بود. [۵۰]

۲-۲-۴-بهشت و دوزخ در آیین زرتشت:  
چنانکه گذشت در متون اصلی دین زرتشت از جمله گات ها که سروده زرتشت است به جایگاه هایی به نام بهشت برای نیکوکاران و دوزخ برای بدکاران اشاره شده بود. برای این که با این دو مفهوم بیشتر آشنا شویم باید منابع زرتشتی و ایرانی را به دقت مورد بررسی قرار دهیم.

«بهشت در زبان اوستایی vahista و در پهلوی vahist آمده است. از واژه vah به معنی به و نیک و خوب و پسوند ist که نشانه صفت عالی است ترکیب یافته است و هیشتم به معنی بهترین است که در زبان فارسی با تبدیل v به b بهشت شده است به معنی بهترین جهان و بهترین هستی است.» «اما دوزخ در اوستایی دوزنگه duzanh و در پهلوی دوشخو dus-axv به معنی جهان زشت است. دوزخ، تاریکی بی پایان به معنی جایگاه دیو دروغ.» «در گاتها، بهشت و جهنم، چگونگی روحی است، زیرا بی کران است.» «طبق کتب پهلوی، جهنم در زیر پل چینوت، محلی بس تاریک، سرد، کثیف، ترسناک، پر از حیوانات مودی و دیوان است.» [۵۱]

۲-۲-۵- برزخ در آیین زرتشت:  
پرسی که ممکن است پیرامون دین زرتشت مطرح شود این است که آیا در دین و اندیشه زرتشت جایی به نام برزخ هم وجود دارد؟ اگر هست کجاست و جایگاه چه کسانی است؟ «گاتها سخنی از برزخ نمی گویند. اوستا جوان از جایی بین بهشت و جهنم به نام میسوانا گاتا نام می برد. کسانی به آنجا می روند که میزان بد و خوب در کارنامه آنان برابر باشد. اوستا آگاهی زیادی درباره آن مکان و چگونگی رفتار با روان ها به دست نمی دهد.» البته در آثار بعدی زرتشتی از برزخ به نام همیستان برمیخوریم. همیستان جای کسانی است که گناه و نیکوکاری آنان یکسان باشد.» [۵۲]

۲-۲-۶- زنده شدن مردگان در آیین زرتشت:  
پرسش دیگر این است که زنده شدن مردگان مطابق با اعتقادات زرتشتیان چگونه است؟ «آیا در روز رستاخیز، بدن های مردگان هم دوباره زنده می شوند؟ گاتها و اوستا چنین رویدادی را نمی شناسند ولی بندهشِن اضافه می کند که: اورمزد که مردمان را از هیچ به وجود آورد می تواند چیزی را که قبلاً به وجود آورده دوباره زنده کند.» [۵۳]

۲-۳- معاد در یهودیت:  
کتاب مقدس یهودیان، توجه چندانی به معاد و بهشت و دوزخ ندارد و بیشتر پیام های این دین مربوط به دنیاست. گویا یهودیان در همین دنیا پادشاه آن جهان می گیرند و مجازات آن جهانشان را می کشند و آخرتی در کار نیست. هر چند گاهی به مطالبی برمی خوریم که می تواند نشانه ای از اعتقاد به رستاخیز در این دین باشد. اکنون برای شناخت بهتر به پاره هایی از تورات بسنده می کنیم.  
در تورات در بخش لایوان ۲۶ به نام برکت مطیعان آمده است: «برای خود بت ها مسازید و تمثال تراشیده و ستونی به جهت خود برپا نمائید و سنگی مصور در زمین خود مگذارید تا به آن

آنکه نجات خواهد داد.» [۴۷] «با تولد سوشیانت آخرین ضربه نابودکننده بر اهریمن وارد می شود و او که رهاننده است جهان مادی را به پایان می رساند.» «همه درگذشتگان از آدم نخستین (کیومرث) تا آخرین کسی که در گذشته است دیگر باره با تن زمینی خود زنده خواهند گشت.» [۴۸]

۲-۲-۲- روز شمار و تن پسین:  
یکی از پرسش های اساسی مربوط به آیین زرتشت این است که: روز شمار، چگونه روزی است و عمر جهان چگونه به پایان خواهد رسید؟ برای رسیدن به پاسخ چنین پرسش هایی باید به متون زرتشتی و پژوهش هایی پیرامون آن مراجعه کرد. با مراجعه به این آثار می خوانیم که: «مردمان خوب و بد، همه با تن زمینی خود برمی خیزند و گرد هم می آیند و همدیگر را باز می شناسند. و همه در انتظار آخرین داد اورمزدی و بخشایش او به سر می برند. نیکان با تن خاکی خود دوباره به بهشت باز می گردند. بدان هم با تن زمینی خود به دوزخ باز میگردند و مدت سه روز رنج دوزخ را تحمل می کنند. اینان در این مدت در رودی از فلز گداخته می سوزند، سپس ستاره دنباله داری به نام گوجیهر بر روی زمین می افتد و موجی از فلز گداخته بر زمین جاری می شود. پارسایان و بدکاران می بایست از این رود فلز گداخته بگذرند. گذر از این رود، گناهکاران را از آنگاه خود پاک می گرداند. پس از این آزمایش نهایی، بدکاران که در اثر آزمایش های دوزخ پاک شده اند از دوزخ رهایی می یابند و شایسته رحمت ایزدی می گردند. ولی رامش کسانی که از روز نخست پارسا و نیکوکار بوده اند بیشتر خواهد بود. سپس اورمزد همه آفرینش را به سوی خود باز میگرداند و سوشیانت و یارانش آداب دینی یزشن (جشن) می کنند و زندگی جاودان مردم در پیشگاه اورمزد و فرمان روایی پارسایان آغاز می گردد.» [۴۹]

۲-۲-۳- گذرگاه چینوت:  
مسئله دیگری که در آیین زرتشت به آن برخورد کردیم و بارها تکرار شده گذرگاه چینوت یا همان پل صراط مسلمانان است. اکنون باید بررسی کنیم که این گذرگاه چگونه جایی است و چه ویژگی هایی دارد؟ با مراجعه به آثار زرتشتی به این نتایج می رسیم که:  
«چینوت پل، به زبان اوستایی چینوانت و در پهلوی چینوت آمده است. واژه چینوت از ریشه Ci چی به معنی چیدن و برچیدن آمده است و با پیشوند vi در پهلوی vicitan به معنی گزیدن و برگزیدن است. بر سر این پل است که نیکان از بدان برگزیده می شوند و هر یک به راهی که خود در زندگی ساخته اند می روند. نیکوکاران از پل چینوت می گذرند و گناهکاران به دوزخ سرنگون می گردند. زیرا دوزخ در زیر آن جای دارد. و آن سوی پل، گذرگاه بهشت است. روان نیکوکار سه گام هومت، هوخت و هوورشت (اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک) را برمی دارد و به بهشت می رسد اما این پل برای گناهکار به اندازه لبة استره برنده میشود و روان گناهکار به درون دوزخ سرنگون می گردد.»

باید دید که آثار زرتشتی چگونه به آن پرداخته است؟ «در گاتها به چینوت، خط یا پلی که دو جهان را از هم جدا می کند اشاره شده است بدون اینکه از ویژگی های آن چیزی بگوید. تغییر روح گات ها و شکل مادی به پل چینوت دادن، مقدمه ای برای

خانه ایشان را و همه ی کسان را که تعلق به قورح داشتند با تمام اموالشان بلعید و ایشان و هرچه به ایشان تعلق داشت زنده به گور فرو رفتند و...» [۵۵]

و باز هم می بینیم که مجازات یاغیان در همین جهان است و ذکری از مجازات آنها در روز قیامت و جهنم در میان نیست. در جای دیگر از تورات به منع کردن از بت پرستی می رسیم آنجا که آمده است: «پس خویشتن را بسیار متوجه باش زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می نمود هیچ صورتی ندیدید. مبدا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده یا تمثال دو شکلی از شبیه ذکور یا اناس بسازید یا شبیه هر بهیمه ای که روی زمین است یا شبیه مرغ بالدار در آسمان یا شبیه خزنده بر روی زمین یا شبیه ماهی در آب ها. مبدا چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنید و آفتاب، ماه، ستاره و جمیع جنود آسمان را دیده، فریفته شوید و سجده کرده، آن ها را که بیهوه خدایت برای تمامی قوم های که زیر تمام آسمان هستند تقسیم کرده. عبادت نمایی... اگر فاسد شده و آنچه در نظر بیهوه خدای شما بد است به جا آورده او را غضبناک سازید البته هلاک خواهید شد و خداوند شما را در میان قوم ها پراکنده خواهد نمود که لقیل العدد خواهید ماند و خداوند ساخته دست انسان را عبادت خواهید نمود و... [۵۶]

چنانکه می بینیم باز هم خبری از وعده های رستاخیز و بهشت و دوزخ نیست. آنچه هست مربوط به همین جهان است، حال آنکه وقتی همین مطالب را قرآن بیان می دارد به شدت از روز رستاخیز و آتش دوزخ نام می برد که مجازاتی بس سنگین است. شکی نیست مهمترین دستورات دین یهود، ده فرمان خداوند است خطاب به موسی و قوم او. اگر به این ده فرمان توجه کنم می بینیم که چنین آمده است: «من بیهوه هستم خدای تو، تو را به حضور من خدایان دیگر نباشد. به جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی را سجده و عبادت منما... نام بیهوه خدای خود را به باطل مبند زیرا خداوند کسی را که نام او را باطل برد بی گناه نخواهد شمرد. روز سبت را نگاه دار و آن را تقدس نما و در آن هیچ کار مکن. پدر و مادر خود را حرمت دار چنانکه بیهوه خدایت تو را امر فرموده است. قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن و بر همسایه خود شهادت دروغ مده و بر زن و خانه و مزرعه و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و برهرچه از آن همسایه تو باشد طمع مکن. پس توجه نمایند تا آنچه بیهوه خدای شما، به شما امر فرموده است به عمل آورید و به راست و چپ انحراف ننمایید... با زهم می بینیم که سفارش اکید شده است که این فرامین را انجام دهید اما نیامده است که اگر انجام ندهی در روز رستاخیز چه خواهد شد و چه پاداش یا مجازاتی دریافت خواهید کرد؟!»

همچنین در مزامیر ۳۷ از کتاب مقدس درباره سرنوشت شریران آمده است: «به سبب شریران خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد میر زیرا که مثل علف به زودی بریده می شوند و پژمرده خواهند شد. خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد زیرا منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود. و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید. صالحان وارث زمین خواهند بود و تا به ابد سکونت خواهند نمود». از این بخش نیز چیزی مربوط به

سجده کنید، زیرا که من بیهوه خدای شما هستم. اگر در فرایض من سلوک نمایید و اوامر مرا نگاه داشته آنها را به جای آورید آنگاه باران های شما را در موسم آن ها خواهم داد. و زمین محصول خود را خواهد آورد و درختان میوه خود را خواهند داد. و کوفتن خرمن شما تا چیدن انگور خواهد رسید و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد رسید و نان خود را به سیری خورده در زمین خود به امنیت سکونت خواهید کرد و به زمین سلامتی خواهم داد و خواهید خوابید. و ترساننده نخواهد بود و حیوانات مودی را از زمین نابود خواهم ساخت و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد و دشمنان خود را تعاقب خواهید کرد و صد از شما ده هزار را خواهند راند و بر شما التفات خواهیم کرد و شما را بارور گردانیده کثیر خواهم ساخت و عهد خود را با شما استوار خواهم نمود و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. من بیهوه خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا ایشان را غلام نباشید و نبردهای یوغ شما را شکستم و شما را راست روان خواهم ساخت». [۵۴]

چنانکه دیدیم آنچه خداوند به قوم یهود گفته مربوط به این دنیاست و هیچ خبری از رستاخیز و معاد یا وعده بهشت در دنیای دیگر نیست. گویا بهشت آنان نیز در همین دنیاست.

نکته دیگر این است که در همین بخش از کتاب مقدس تورات به عنوان تنبیه نا مطیعان آمده است: «اگر مرا نشنوید و جمیع این اوامر را به جای نیاورید و اگر فرایض مرا رد نمایید و دل شما احکام مرا مکروه دارد من این را به شما خواهم کرد که خوف و سل و تب را که چشمان را فنا سازد و جان را تلف کند بر شما مسلط خواهم ساخت و تخم خود را بی فایده خواهید کاشت و دشمنان شما آن را خواهند خورد و روی خود را به ضد شما خواهم داشت و پیش روی دشمنان خود منهزم خواهید شد و آنانی که از شما نفرت دارند بر شما حکمرانی خواهند کرد و بدون تعاقب کننده ای فرار خواهید کرد. اگر با وجود این همه مرا نشنوید آنگاه شما را برای گناهانتان هفت مرتبه زیاده سیاست خواهم کرد و فخر قوت شما خواهم شکست و آسمان را مثل آهن و زمین را مثل مس خواهم ساخت و قوت شما در بطالت صرف خواهد شد و درختان میوه خود را نخواهند آورد و اگر برخلاف من رفتار نموده آنگاه بر حسب گناهانتان هفت چندان بلایای زیاده بر شما عارض گردانم و وحوش صحرا فرستم تا شما را بی اولاد سازند و بهایمتان را هلاک کند و بر شما شمشیر خواهم آورد که انتقام عهد را بگیرد و به دست دشمن تسلیم خواهید شد. با این وجود اگر مرا نشنوید شما را هفت چندان سیاست خواهم کرد که گوشت پسران و دختران خود را خواهید خورد و مکان های بلندتان خراب خواهم ساخت و شما را در میان امت ها پراکنده خواهم ساخت و...»

باز هم چنانکه می بینیم آنچه خداوند برای مجازات از نافرمانی بندگان خود در نظر گرفته مربوط به همین دنیاست و خبری از آخرت و مجازات در جهنم نیست. در کتاب مقدس در بخش اعداد در مجازات یاغیان می بینیم که: «خداوند موسی و هارون را خطاب کرد گفت: خود را از این جماعت دور کنید تا ایشان در لحظه ای هلاک کنم و چون دور شدند و دیگران هم دور کردند زمینی که زیر ایشان بود شکافته شد و زمین دهان خود را گشوده ایشان را و

قیامت و روز جزا نمی بینیم. آنچه می بینیم نابودی شریران در همین دنیاست و زندگی صالحان برای همیشه بر روی زمین است.

در بخش جامعه ۱۲ از کتاب مقدس آمده است که: «پس آفریننده خود را در روزهای جوانی ات به یادآور قبل از آنکه روزهای بلا برسد که بگویی مرا از اینها خوشی نیست. قبل از آنکه آفتاب، ماه و ستارگان تاریک شود و ابرها بعد از باران برگردد. در روزی که محافظان خانه بلرزند و صاحبان قوت، خویشترن خیم نمایند و آنانی که از پنجره ها می نگرند تاریک شوند و درها در کوچه ها بسته شود و خوف ها در راه باشد و ملخی بار سنگین باشد و اشتها بریده شود. چون که انسان به خانه جاودانی خود می رود و نوحه گران در کوچه گردش می کنند و روح نزد خدا که آنرا بخشیده بود رجوع نماید.» (کتاب مقدس، ۲۰۰۲م، ص ۷۷۵). باز هم دیده می شود که علی رغم اینکه خبرها و نشانه هایی که داده مربوط به مرگ و قیامت است اما هیچ سخنی از قیامت نگفته است و این از شگفتی هاست.

تا اینجا که مربوط به کتاب مقدس تورات است هیچ اشاره روشنی به معاد و قیامت و بهشت و دوزخ نیست. آنچه هست مربوط به همین جهان است. جهانی که خود می تواند تبدیل به بهشت یا دوزخ گردد. پس چگونه است که در دوره های بعد، نشانه هایی از رستاخیز و بهشت و دوزخ در آیین یهود وارد می شود؟ برای این مسأله باید گفت: «ظاهرا یهود با آیین زرتشتی در بابل تماس حاصل کردند و از اصول و فروع کیش ایرانیان آگاه شدند از جمله، مسئله اعتقاد به اهریمن که آن ها به شیطان تعبیر کردند و همچنین اعتقاد به ملائکه کروی و ... زیرا اثری از این مبادی در آثار اوئیۀ آن قوم دیده نمی شود. در این روزگار یهودیان از زرتشتیان پیروی کرده مبادی آنان را مفصل قبول و اقتباس کرده اند.» [۵۷] قوم یهود اکنون اعتقاد دارند که: «در آخرالزمان حق تعالی جهان را دگرگون خواهد فرمود و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید.» یهودیان که انتظار چنین روزی را می کشند میگویند: «در لمحۀ آخرین یک کرنای آسمانی به صدا در می آید پس مردگان از گور برخاسته، گرداگرد مسیحا، صفی واحد تشکیل می دهند. این نویسندگان و مباشران مسیحا، در آغاز، وی را خاص قوم یهود می دانسته اند، اما بعداً، به پیروی از افکار زرتشتیان معاصر خود، بشارت ظهور او را عام دانسته، دایره ظهور و فرمانروایی او را شامل حال سراسر امم و اقوام انسانی قرار دادند و گفتند تمام صاحبان ارواح از خیر و شر در محضر عدل الهی به محاکمه دعوت خواهند شد و در برابر مسیحا، خوبان و رستگاران از بدان و گناهکاران جدا می گردند، اشرا را در آتش دوزخ فرو می افکنند و صالحان و ابرار به بهشت جاویدان در جوار برکات خداوندگار قرار خواهند گرفت. در بعضی از کتب، محل این سرمنزل سعادت و نعیم جاویدان در روی زمین، نخست در اورشلیم جدید خواهد بود، ولی بعد از گذشت هزار سال قیامت بر پا می شود، آنگاه انسان را به فردوس اعلا و خلد برین منتقل خواهند ساخت. [۵۸] با این اوصاف می توان باور به تحریف و تغییر را در اصول دین یهود پذیرفت.

۲-۴- معاد در مسیحیت:

برای اینکه بتوانیم اعتقاد مسیحیان به معاد را بدانیم شایسته است کتاب مقدس انجیل را ورق بزیم و اندیشه مسیحیان در باره معاد را بررسی کنیم. در کتاب انجیل به اندازه آثار اسلامی و زرتشتی به معاد اشاره نشده است اما از میان مطالعه این کتاب به این مطالب برمی خوریم: در انجیل متی، در بخش ۲۲ درباره قیامت آمده است: «در همان روز صدوقیان که منکر قیامت هستند نزد او آمده سوال نموده گفتند: ای استاد، موسی گفت اگر کسی بی اولاد بمیرد می باید برادرش زن او را نکاح کند تا نسلی برای برادر خود پیدا نماید. باری در میان ما هفت برادر بودند که اول زنی گرفته، بمرد و جوان اولادی نداشت زن را به برادر خود ترک کرد. و همچنین دومین و سومین تا هفتمین. و آخر از همه آن زن نیز بمرد پس او در قیامت زن کدام یک از آن هفت خواهد بود زیرا که همه او را داشتند؟ عیسی (ع) گفت: گمراه هستی از این رو که کتاب و قوت خدا را در نیافته اید، زیرا که در قیامت نه نکاح می کند و نه نکاح کرده می شوند بلکه مثل ملائکه خدا در آسمان می باشند. اما درباره قیامت مردگان، آیا نخوانده اید کلامی که خدا به شما گفته است، من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب؟ خدا، خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است.» همین مطلب در انجیل لوقا در بخش ۲۰ نیز آمده است که هم اهمیت موضوع را نشان میدهد. «همچنین در انجیل متی در بخش ۲۰ درباره روز داوری آمده است: «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست، و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آن ها را از همدیگر جدا می کنم، به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند، و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید. زیرا چون گرسنه بودم مرا طعام دادید، تشنه بودم سیراب نمودید. غریب بودم مرا جا دادی، عریان بودم مرا پوشانیدید، مریض بودم عیادت کردید، در حبس بودم دیدن من آمدید. آنگاه عادلان به پاسخ گویند: ای خداوند، کی گرسنه ات دیدیم تا طعامت دهیم، یا تشنه ات یافتیم تا سیرابت نماییم یا کی ترا غریب یافتیم تا تو را جای دهیم یا عریان تا بپوشانیم، و کی تو را مریض یا محبوس یافتیم تا عیادتت کنیم؟ پادشاه در جواب ایشان گوید: هر آینه به شما می گویم: آنچه به یکی از این برادران کوچکترین من کردید به من کرده اید. پس اصحاب طرف چپ را گوید: ای ملعونان، از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است بروید زیرا گرسنه بودم مرا خوراک ندادید، تشنه بودم مرا آب ندادید، غریب بودم مرا جا ندادید، عریان بودم مرا پوشانید، مریض و محبوس بودم عیادت ن نمودید. پس ایشان نیز به پاسخ گویند: ای خداوند، کی تو را گرسنه یا تشنه یا غریب یا برهنه یا مریض یا محبوس دیده، خدمت نکردیم؟ آنگاه در جواب ایشان گوید: هر آینه به شما می گویم، آنچه به یکی از این کوچکان نکردید به من نکرده اید. و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت اما عادلان در حیات جاودانی.» [۵۹]

۲-۴-۱- زنده شدن مردگان از دیدگاه مسیحیان:

جمله: ورود همه مردگان به دوزخ بعد از مرگ و دروغ به عنوان مهمترین گناه جهت ورود به دوزخ شبیه به هم می باشد و این وجوه مشترک در این دو دین در کنار اعتقاد به خدای یکتا می تواند مهمترین عامل گرایش ایرانیان به اسلام و پذیرفتن این دین بوده باشد. نکته دیگر این است که هیچگونه تضاد یا تناقضی در این مورد در متون مربوط به این دو دین مشاهده نمی شود به نظر می رسد که ایرانیان به این دلیل اسلام را پذیرفتند که روح و پیام اصلی زرتشت را در آن مشاهده می کردند و نوعی بازگشت به اصالت زرتشتی را می دیدند، جالب این جاست که در منبع اصلی دین زرتشتی یعنی گات ها از اشخاص خاصی مانند جاماسب هو گوئه آن دانای خردمند و فرزندان و نیرگان نامور فریانه تورانی نام برده شده که در پرتو اندیشه نیک به بهشت جاودانی دست یافتند. و حال آن که در قرآن از شخص خاصی به نام ابولهب نام برده شده که به دوزخ واصل شده است و همسرش هیزم آتش افروز دوزخ باشد. چنانکه گذشت، دین مسیحی کم و بیش به مسأله معاد و چگونگی آن اشاراتی دارد اما این اشارات هرگز به پایه توجه ادیان زرتشتی و اسلام به معاد نیست بلکه در حد یک پرسش و پاسخ از حضرت عیسی است و بس. اما آن چنان که روشن شد در دین یهود بویژه کتاب مقدس تورات کمترین اشاره به معاد نشده است و آنچه خداوند به این قوم فرموده مربوط به همین دنیا و مطابقت آن با گذشته همین قوم است و این جای تعجب و شگفتی بسیار است که چگونه است که خداوند یگانه به بعضی از پیامبران خود از جمله آشور زرتشت و حضرت محمد(ص) اینگونه در باره معاد و زندگی پس از مرگ تأکید بسیار داشته و بسیاری از آیات خود را به آن اختصاص داده اما خطاب به حضرت موسی(ع) و قوم یهود، این مسأله مهم که از اصول اساسی هر دین و آیینی است غفلت شده است؟! شاید همین مسأله و مسائل شبیه این است که باور پیروان ادیان دیگر را در باره کتاب های مقدس انجیل و تورات که دستخوش تحریف و حذف و دگرگونی شده اند استحکام می بخشد، زیرا بسیار بعید است که خداوند تعالی برای گروهی از بندگانش راه رستگاری را نشان دهد و گروهی را در وادی گمراهی و بی خبری رها سازد.

## References

- 1- Maalouf, Louis, 1973, Al-Manjad, first edition, Beirut, Lebanon, Dar al-Mashrekh publishing house.
- 2- Abolqasmi, Mohsen, 1389, Historical Grammar of the Persian Language, 8th edition, Tehran, Samit Publications
- 3- Abolqasmi, Mohsen, 1389, Historical grammar of the Persian language, 8th edition, Tehran, Samit Publications
- 4- Maalouf, Louis, 1973, Al-Manjad, 1st edition, Beirut, Lebanon, Dar al-Mashrekh publishing house.

در اول قرن تیان در بخش ۱۵ چنین آمده است: «لیکن اگر به مسیح وعظ می شود که از مردگان برخاست، چون است که بعضی از شما می گویند که قیامت مردگان نیست؟ اما اگر مردگان را قیامت نیست، مسیح نیز برخاسته است لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد.» [۶۰] «اما اگر کسی گوید: مردگان چگونه برمی خیزند و به کدام بدن می آیند؟ ای احمق آنچه تو می کاری زنده نمی گردد جز آن که بمیرد و آنچه می کاری نه آن جسمی را که خواهد شد می کاری بلکه دانه ای مجرد خواه از گندم و از دانه های دیگر. لیکن خدا بر حسب اراده خود آن را جسمی دهد و به هر یک از تخم ها جسم خودش را .... و همین نهج است نیز قیامت مردگان، همانا به شما سر می گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد، در هر لحظه ای در طرفه العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان بی فساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد.» [۶۱] در قرآن درباره عیسی آمده است: «و سلام حق بر من است روزی که به دنیا آمدم و روزی که از جهان بروم و روزی که برای زندگی ابدی آخرت باز برانگیخته شوم».

در انجیل در بخش ۵ از زبان حضرت عیسی آمده است: «من به شما می گویم، هر که به برادر خود احمق گوید مستحق آتش جهنم بود». چنانکه از سخنان این پیامبر روشن شد اعتقاد به بهشت و جهنم در دستورات دین مسیحیت است و بهشت و جهنم بدون محاسبه در روز قیامت معنی و مفهومی ندارد. وقتی به اعتقاد نامه حواریون نیز نگاه می کنیم به رستاخیز جسد مادی بعد از مرگ اشاره شده است. «من ایمان دارم به خدای پدر قادر متعال و به عیسی مسیح پسر یگانه او، خداوند ما که از روح القدس و مریم عذرا تولد یافت و به صلیب آویخته شد و مدفون گشت، ولی روز سوم از میان اموات قیام کرد و به آسمان صعود فرمود و اکنون در پیش پدر نشسته است و از آنجا بار دیگر خواهد آمد که در زندگان و مردگان به عدالت حکم فرماید. و من ایمان دارم به روح القدس و غفران ذنوب و رستاخیز جسد مادی بعد از مرگ.» [۶۲] در این اعتقاد نامه که برگرفته از اعتقادات آیین مسیحیت است به بازگشت حضرت عیسی اشاره شده که به عدالت حکم خواهد کرد و همچنین اعتقاد و ایمان به روز رستاخیز و زنده شدن مردگان. پس می توان اعتقاد به معاد را در این اعتقاد نامه به روشنی دریافت. همچنین وقتی به اصول دین مسیحیت نگاه می کنیم متوجه می شویم که: «آیین توبه و ایمان به عالم برزخ هر دو از اصول دین مسیح می باشد.» [۶۳]

## نتیجه گیری

از مطالعه مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که دو دین زرتشتی و اسلام به مسأله معاد به عنوان یکی از اصول اساسی دین خود پرداخته اند و رستاخیز و زندگی پس از مرگ بازتاب گسترده ای در منابع و آثار این دو دین دارد و جالب تر اینکه نشانه های قیامت از جمله سقوط ستاره یا ستارگان در آغاز قیامت، بهشت، دوزخ، پل صراط یا چینوت روز بازپسین، نامه اعمال، عذاب با فلز گداخته و... در متون دینی هر دو دین یکسان است و در بسیاری موارد دیگر از

- 31- Dastghaib, Seyyed Abdul Hossein, 2013, Maad, second edition, Mashhad, Hataf Publications.
- 32- Holy Quran.
- 33- Holy Quran
- 34-The Holy Quran.
- 35- Mohammadi, Jalil, 1389, Religion of Zoroastrianism, 3rd edition, Zanjan, Nikan Kitab Publications.
- 36-- Ferdowsi, Abulqasem, Beita, Shahnameh, first edition, Tehran, Scientific Publications
- 37- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 38- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 39- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 40- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 41- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 42- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bozormehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 43- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 44- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bazar Mehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications.
- 45- F. Fareh Vashi, Bahram, 1364, Jahan Furui, second edition, Tehran, Karian Publishing House
- 46- Ferdowsi, Abulqasem, Beita, Shahnameh, first edition, Tehran, Scientific Publications
- 47- Ferdowsi, Abulqasem, Beita, Shahnameh, first edition, Tehran, Scientific Publications
- 3- Israr, Mustafa, 1375, Knowledge of the Qur'an, 14th edition, Tehran, Mahia Publishing House
- 4- Byrnas, Jan, 2013, Tarikh Jame Adian, translated by Ali Asghar Hekmat, 21st edition, Tehran, scientific and cultural
- 5- Tabibian, Seyyed Hamid, 1380, translation of Farhang Laros, 11th edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House
- 6- Hafez, Khwaja Shamsuddin Mohammad, 1374, Divan, 15th edition, Tehran, Mohammad Publishing
- 7- Dastghaib, Seyyed Abdul Hossein, 2013, Maad, second edition, Mashhad, Hataf Publishing House
- 8-Moin, Mohammad, 1377, Farhang Farsi Farsi Moin, 12th edition, Tehran, Amirkabir Publications
- 7- Dehghan, Hossein, 1382, Ghats, translated by Bozormehr Kiani, second edition, Tehran, Jami Publications
- 8- Rahimi Ardestani, Mostafa, 1380, translated by Al-Manjad, second edition, Tehran, Saba Publishing House
- 9- Holy Quran.
- 10-The Holy Quran.
- 11-The Holy Quran.
- 12-The Holy Quran.
- 13-The Holy Quran.
- 14-The Holy Quran.
- 15-The Holy Quran.
- 16-The Holy Quran.
- 17-The Holy Quran.
- 18-The Holy Quran.
- 19-The Holy Quran.
- 20-The Holy Quran.
- 21-The Holy Quran.
- 22- Holy Quran.
- 23- Holy Quran.
- 24- Holy Quran.
- 25-The Holy Quran.
- 26- Holy Quran
- 27-The Holy Quran.
- 28-The Holy Quran.
- 29-The Holy Quran.
- 30-The Holy Quran.

- 48- Fareh Vashi, Bahram, 1364, Jahan Fururi, second edition, Tehran, Karian Publishing House
- 49- Fareh Vashi, Bahram, 1364, Jahan Fururi, second edition, Tehran, Karian Publishing House
- 50- Mehr, Farhang, 1381, Zoroastrian Philosophy, 4th edition, Tehran, Jami Publications
- 51- Mehr, Farhang, 1381, Zoroastrian Philosophy, 4th edition, Tehran, Jami Publications
- 52- Mehr, Farhang, 1381, Zoroastrian Philosophy, 4th edition, Tehran, Jami Publications
- 53- Fareh Vashi, Bahram, 1364, Jahan Fururi, second edition, Tehran, Karian Publishing House
- 54- Holy Bible 2012, 6th edition, England, Ilam Publications
- 55- Holy Bible 2012, 6th edition, England, Ilam Publications
- 56- Holy Bible 2012, 6th edition, England, Ilam Publications
- 57- Byrnas, Jan, 2013, Tarikh Jame Adyan, translated by Ali Asghar Hekmat, 21st edition, Tehran, scientific and cultural
- 58- Byrnas, Jan, 2012, Tarikh Jame Adyan, translated by Ali Asghar Hekmat, 21st edition, Tehran, scientific and cultural
- 59- Holy Bible 2012, 6th edition, England, Ilam Publications
- 60- Holy Bible 2012, 6th edition, England, Ilam Publications
- 61- Holy Bible 2012, 6th edition, England, Ilam Publications
- 62- Byrnas, Jan, 2012, Tarikh Jame Adyan, translated by Ali Asghar Hekmat, 21st edition, Tehran, scientific and cultural